

## بررسی پوشش شخصیت‌ها در داستان‌های عاشقانه شاهنامه فردوسی

### کیمیا فانی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران

### محمدجواد وظیفه شناس

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

### روح الله نجفی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

### رضا قیاسی

کارشناس ارشد پویانمایی دانشگاه سوره تهران

### چکیده

پوشش یکی از عناصر برجسته فرهنگ هر جامعه است. با بررسی عناصر عینی نویسی در هر اثر ادبی، می‌توان میزان توجه شاعران و نویسندگان به عنصر پوشش را مورد ارزیابی قرار داد و اطلاعات ارزشمندی درباره ویژگی‌های پوشش هر دوره از تاریخ از جمله رنگ لباس مخصوص هر طبقه اجتماعی، انواع مختلف پوشیدنی‌ها و... به دست آورد. این جستار در تلاش است تا با روش تحلیل محتوا، نوع پوشیدنی‌ها و ویژگی انواع پوشش را در داستان‌های عاشقانه شاهنامه فردوسی مورد بررسی قرار دهد تا مشخص شود فردوسی تا چه اندازه، به اسناد تاریخی مربوط به فرهنگ پوشش در روزگار پیدایش داستان‌های مذکور (ایران باستان) توجه داشته است. نتایج نشان می‌دهد که فردوسی رنگ لباس‌ها را بر مبنای فضای روانی حاکم بر داستان‌ها انتخاب کرده و در بازتاب فرهنگ پوشش ایران باستان در اثر خود، نهایت دقت را به کار برده است به گونه‌ای که هر یک از شخصیت‌ها در شاهنامه، لباس مخصوص طبقه اجتماعی خود را بر تن دارند.

**واژگان کلیدی:** شاهنامه، فردوسی، داستان عاشقانه، پوشش، ایران باستان.

۱- مقدمه

لباس و پوشاک از مؤلفه‌های مهم فرهنگ یک جامعه هستند. مردم ایران از دیرباز به لباس و پوشاک توجه ویژه‌ای داشته‌اند به گونه‌ای که در دوران باستان، هر طبقه اجتماعی لباس مخصوص خود را داشته‌اند و رنگ و نوع لباس، نشان دهنده جایگاه اجتماعی افراد بوده است. بنابراین با مورد توجه قرار دادن نوع و رنگ لباس شخصیت‌ها در آثار ادبی دوره‌های مختلف می‌توان به اطلاعات مفیدی چون

وضعیت پوشاک در عصری خاص، طبقه اجتماعی شخصیت‌ها و حالات روحی آن‌ها دست یافت. البته در چنین مباحثی، استناد به آثار ادبی در صورتی مورد قبول است که شاعر و نویسنده، یا خود وضع پوشاک زمانه را به چشم دیده باشد و یا اگر از دورانی دیگر سخن می‌گوید، در مورد آن تحقیق نموده و نهایت دقت را به کار گرفته باشد.

یکی از ابزارهای بازتاب وضع عمومی پوشاک در جامعه، توجه شاعران و نویسندگان به «توصیف عینی» است؛ توصیف عینی یکی از عوامل بایسته و برجسته داستان‌های عاشقانه ادبیات فارسی است و نقش مهمی در باورپذیری آثار ادبی ایفا می‌کند. نوشته‌ای که در آن توصیف عینی به کار رفته باشد، تصویری زنده، دقیق و واقعی به مخاطب ارائه می‌دهد و بدین ترتیب، ارتباط بهتری میان نوشته و مخاطب ایجاد می‌شود. توصیف از ارکان مهم شعر و ادبیات داستانی است و نشان‌دهنده میزان توجه شاعران و نویسندگان به جهان اطراف و همچنین نشانگر مهارت آن‌ها در به کار گرفتن تجربه‌های خود از جهان، در شعر یا داستان است. شاعران و نویسندگان، در محیط‌های متفاوتی رشد کرده‌اند و تجربه‌های متفاوتی از جهان دارند و به همین خاطر است که در توصیف‌های شاعران مختلف از یک پدیده واحد، تفاوت دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت توصیف با تجربه‌های نویسنده از محیط اطراف، ارتباط مستقیم دارد. این تجربه‌ها از طریق حواس پنج‌گانه به دست می‌آید پس هر قدر حواس پنج‌گانه شاعر یا نویسنده، قوی‌تر باشد، تجربه بیشتری از محیط کسب می‌کند و به تبع آن، توصیف‌های تازه‌تر و زنده‌تری تولید می‌کند.

به «نوشته‌ای که نویسنده صحنه‌ای یا موضوعی را با دیدگان خویش تماشا کرده باشند و سپس جزء به جزء آن را روی کاغذ آورده باشند به گونه‌ای که شنونده یا خواننده بتواند به خوبی آن منظره یا شیء را در ذهن خود ترسیم کند، نوشته عینی می‌گویند.» (شریعت، ۱۳۷۱: ۷۲) به سخن دیگر توصیف عینی عبارت است از به‌کارگیری حواس پنج‌گانه در متن. یعنی نویسنده با اشاره به پدیده‌های دیداری، صداها، بوها، مزه‌ها، جنس اجسام و... صحنه‌های داستان و اتفاقات آن را به تصویر بکشد و این تصویر، همان‌گونه که در عالم واقع هست، در ذهن مخاطب ایجاد شود.

از آن جا که داستان‌های شاهنامه برگرفته از داستان‌های شفاهی ایران پیش از اسلام است، بررسی چگونگی به‌کارگیری عناصر عینی در صحنه‌ها و شخصیت‌های این آثار، می‌تواند وضع فرهنگ، آداب و رسوم آن دوره از جمله وضع پوشاک را نشان دهد. بنابراین پژوهش در این مورد، مهم و ضروری به نظر می‌رسد و روشن شدن آن می‌تواند در ادبیات و شعر، سودمند باشد.

#### ۱-۱ پیشینه پژوهش

۱. زارعی، اسداله (۱۳۹۲). در مقاله "بازتاب فرهنگ پوشاک و لباس در ادبیات ایران" به میزان توجه شاعران ایرانی در طول تاریخ به انواع پوشش و همچنین موقعیت اجتماعی، رنگ، شکل، پوشیدگی، وقار، جمال و وجاهت لباس‌ها پرداخته است. البته تکیه این مقاله،

بر لباس‌های به کار رفته در اشعار حافظ است اما از آن‌جا که در این مقاله نحوه پوشش در طول تاریخ ادبیات نیز مورد توجه قرار گرفته است، با موضوع این پژوهش مرتبط است.

۲. حسن‌لی، کاوس و احمدیان، لیلا (۱۳۸۷). در مقاله "بازنمود رنگ‌های سرخ، زرد، سبز و بنفش در شاهنامه فردوسی" به میزان و چگونگی کاربرد رنگ‌های یادشده در داستان‌های مختلف شاهنامه پرداخته‌اند و در کاربرد هر رنگ، مثال‌هایی ارائه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که رنگ‌های مذکور، باورها، سلیقه‌ها، آرزوها و خواسته‌های آدمیان را به نمایش گذاشته‌اند.

۳. حسن‌لی، کاوس و احمدیان، لیلا (۱۳۸۶). در مقاله "کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی با تکیه بر سیاه و سفید" با بررسی رنگ‌های به کار رفته در شاهنامه به این نتیجه رسیده‌اند که رنگ‌های سفید و سیاه در کانون توجه فردوسی قرار داشته‌اند و بسیاری از خاصیت‌های روانشناسی و اسطوره‌ای این رنگ‌ها در شاهنامه بازتاب یافته است.

۴. وظیفه شناس، محمد جواد (۱۳۹۹). در پایان‌نامه «بررسی تطبیقی توصیف عینی در صحنه‌ها و شخصیت‌پردازی داستان‌های عاشقانه شاهنامه و ویس و رامین» به جنبه‌های گوناگون عناصر عینی‌نویسی در شاهنامه و ویس و رامین پرداخته است که در این جستار، پوشش، یکی از زیرمجموعه‌های عناصر عینی شناخته شده و شواهدی از کاربردهای گوناگون پوشش ذکر شده است.

## ۲-۱ روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری است و بررسی آن به شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوا انجام خواهد گرفت. در این پژوهش، نخست داستان‌های عاشقانه شاهنامه فردوسی مطالعه می‌شود و پس از مطالعه این آثار، ابیاتی که در آن‌ها به پوشاک شخصیت‌ها اشاره شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت سپس با مطالعه آثار مرتبط با پوشاک ایرانیان در طول تاریخ، میزان توجه فردوسی به نوع و رنگ پوشش شخصیت‌ها و مطابقت آن با اسناد تاریخی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

## ۲-۲ بحث

«موقعیت لباس و پوشاک در زندگی اجتماعی و فرهنگی یک کشور آن‌چنان است که می‌توان گفت لباس و فرهنگ دو روی یک سکه‌اند و نگاه به ادبیات یک فرهنگ چنان‌گاه به آینه اهل آن فرهنگ است. تا هر آن‌چه که در آن متجلی است به‌تمامی نمایان سازد و در این میان، صریح‌ترین و فصیح‌ترین زبان، ادبیات است.» (زارعی، ۱۳۹۲: ۶۴)

## ۲-۱ انواع پوشش در شاهنامه

### ۲-۱-۱ انواع پوشش در فضای عاشقانه

در داستان‌های عاشقانه شاهنامه تأکید بسیاری بر نوع پوشش شخصیت‌ها می‌شود و شخصیت‌های داستان که معمولاً از افراد رده بالای حکومت‌ها به حساب می‌آیند همواره تلاش می‌کنند بهترین و فاخرترین لباس‌ها را بپوشند و آن‌ها را به انواع جواهرآلات و زیورها بیارایند. با مورد توجه قرار دادن نوع و رنگ لباس شخصیت داستان‌ها، می‌توان به اطلاعات مفیدی چون طبقه اجتماعی شخصیت‌ها، حالات روحی آن‌ها و نوع پوشش در زمان‌های مختلف دست یافت؛ در داستان زال و رودابه دیده می‌شود که رودابه، شعر بر سر دارد و این نکته نشان‌دهنده تأثیر آداب پوشش دوره ساسانیان بر این داستان است چرا که به گفته تاج‌واردی و عبدی، (۱۳۸۹: ۲۳۳) موی خود را تاحدودی با شال و پارچه می‌پوشانده‌اند. (ر.ک. تاج‌واردی و عبدی، ۱۳۸۹: ۲۳۳)

- پری روی گفت سپید شنود ز سر شعر گلنار بگشاد زود (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۹۹)

البته باید به این نکته توجه کرد که استفاده از سربند توسط زنان، صرفاً جنبه زیبایی داشته و زنان، نه همیشه، بلکه تنها گاهی از آن به عنوان پوششی فاخر استفاده می‌کرده‌اند و در استفاده یا عدم استفاده از آن مختار بوده‌اند. پوشش‌های دیگری نیز در داستان‌های عاشقانه شاهنامه به چشم می‌خورد که غالب آن‌ها جنبه زیبایی دارند. در این‌جا نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر می‌شود:

بزرگان سوی کاخ شاه آمدند	کمر بسته و با کلاه آمدند
یکی خلعت آراست شاه جهان	کزان خیره گشتند یکسر مهان
چه از تاج پر مایه و تخت زر	چه از یاره و طوق و زرین کمر
همان جامه‌های گرانمایه نیز	پرس‌تنده و اسپ و بسیار چیز (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۵۵)
- سیاهش به پاسخ چو نگشاد لب	پری چهره برداشت از رخ قصب
بدو گفت: خورشید با ماه نو	گر ایدونک بینند بر گاه نو (فردوسی، ۱۳۶۹: ۲۲۰)
- بیوشید رخشنده رومی قبای	ز تاج اندرآویخت پرهمای
نهادند بر پشت شبرنگ زین	کمر خواست با پهلوانی نگین (فردوسی، ۱۳۷۱: ۳۱۶)
- به سر بر نهاد آن کلاه کیان	ببست آن کیانی کمر بر میان
ابر شاه کرد آفرین و برفت	ره سیستان را بسیجید و تفت (همان: ۳۹۶)
- کمر خواست از گنج و انگشتی	یکی افسری نامور قیصری
بیوسید و پس بر سر او نهاد	ز کار گذشته همی کرد یاد (فردوسی، ۱۳۷۵: ۵۱)

- همه جامه‌ها سرخ و زرد و بنفش  
 - یکی زرد پیراهن مشک بوی  
 - به زر بافته جامه‌ی شهریار (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۳)  
 - بیوشید و گلنارگون کرد روی (همان: ۲۶۳)

## ۲-۱-۲ انواع پوشش در سایر صحنه‌ها

همانطور که در مثال‌های قسمت پیش مشاهده شد، در بیشتر صحنه‌ها، تنها لباس‌های فاخر، طلا و جواهرات به تصویر کشیده شده‌اند اما گاهی در میان داستان‌های عاشقانه مشاهده می‌شود که شخصیت‌ها، لباس رزم بر تن دارند که البته بسامد این نوع لباس بسیار پایین است و این نکته نشان می‌دهد فردوسی به جزئیات توصیف توجه ویژه‌ای داشته و در صحنه‌آرایی داستان‌ها، لباس متناسب با فضای کلی داستان را به خوبی برگزیده است:

- بیوشید خفتان و خود برنشست  
 - یکی تیغ زهرآب داده به دست (فردوسی، ۱۳۸۴: ۱۵۲)

## ۲-۲ رنگ پوشیدنی‌ها در شاهنامه

فردوسی در کاربرد رنگ‌ها دقتی اعجاب‌انگیز داشته است؛ او به ویژگی‌های روانی هر رنگ آگاه بوده و برای هر صحنه، رنگی متناسب با فضای داستان برگزیده است. علاوه بر این، نوع پوشش و رنگ آن کاملاً متناسب با زمان وقوع داستان‌هاست؛ همانگونه که پیش تر گفته شد اغلب داستان‌های عاشقانه شاهنامه ریشه در تاریخ ایران باستان دارند و در آن عصر، طبقات مختلف جامعه لباس مخصوص خود را داشته‌اند که رنگ لباس هر طبقه با سایر طبقات اجتماعی متفاوت بوده است بنابراین فردوسی نیز در انتخاب نوع پوشش و رنگ آن، مقام و منزلت شخصیت‌ها را مورد توجه قرار داده و لباسی متناسب با جایگاه اجتماعی شخصیت‌ها بر تن آن‌ها کرده است.

### ۲-۲-۱ سرخ

شخصیت‌های داستان‌های عاشقانه شاهنامه، اغلب پوشیدنی‌هایی سرخ رنگ به تن دارند و برای تزیین کردن این پوشیدنی‌ها، از جواهرآلات قرمز رنگ استفاده می‌کنند. شخصیت‌های اصلی این داستان‌ها و به ویژه عاشق و معشوق، از ارکان اصلی حکومت‌ها به حساب می‌آیند. در دوران پیش از اسلام، افرادی که جزء ارکان اصلی حکومت به شمار می‌رفته‌اند از جمله شاه، درباریان و سرداران سپاه، لباس‌های قرمز رنگ می‌پوشیده‌اند و این نکته در شاهنامه هم قابل ملاحظه است؛ «گزنفون جامه کورش سوار بر اسب را چنین توصیف کرده است: بالاپوشی ارغوانی و برش خورده با نوارهای سفید و شلواری به رنگ قرمز نارنجی و شلی تماماً ارغوانی.» (فریه، ۱۳۷۴: ۱۵۱) «در رسوم باستانی ایرانیان، سه طبقه اجتماعی موجود، از طریق رنگ لباسشان، متمایز می‌شدند. جنگجویان، قرمز؛ موبدان، سفید و روستاییان، آبی می‌پوشیدند.» (پارشاطر، ۱۳۸۳: ۴۵) «گزنفون چنین می‌نویسد: کورش کبیر در بین اشراف، خود زیباترین تن‌پوش‌ها را

همراه با سایر ردهای مادی...، انبوهی از خلعت‌های مشکی، ارغوانی، زرشکی، نارنجی و سرخ توزیع کرده بود. سپس کندیز تمام ارغوانی کورش کبیر را توصیف می‌کند. (همان: ۵۶)

- |                                |   |
|--------------------------------|---|
| - پری روی گفت سپهد شنود        | ز سر شعر گلنار بگشاد زود (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۹۹)      |
| - یکی لشکر آراسته چون بهشت     | تو گفستی که گردون همه لاله کشت (فردوسی، ۱۳۶۹: ۷۵) |
| - همه جامه‌ها سرخ و زرد و بنفش | شهنشاه با کاویانی درفش (فردوسی، ۱۳۸۴: ۱۵۲)        |
| - یکی از برش سرخ دیبای روم     | همه پیکرش گوهر و زر بوم (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۳)       |

### ۲-۲-۲ زرد

در داستان‌های عاشقانه شاهنامه فردوسی، رنگ زرد در توصیف تجملات و صحنه‌های پر زرق و برق مراسم عروسی و بزم، کاربرد بسیاری دارد که این نکته مطابق با کارکرد روانی این رنگ است؛ رنگ زرد «رنگی است روشن، شاد و آرام. رنگ زرد که دارای گرمای خاص خورشیدی و روشن و نافذ می‌باشد، رنگ شهود و دل‌آگاهی است.» (اپلی، ۱۳۷۱: ۲۸۴)

- |                                  |   |
|----------------------------------|---|
| - ده اسپ گرانمایه با ساز زر      | پرستنده پنجه به زرین کمر                      |
| - به سیمین ستام آوردند سی        | ز اسپان تازی و از پارسی                       |
| - ابا طوق زرین پرستنده شست       | یکی جام مر هر یکی را به دست                   |
| - پر از مشک و کافور و یاقوت و زر | یکی پر ز گوهر یکی پر شکر (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۳۸)  |
| - در گنج بگشاد و چندی گهر        | چه دیبای زربفت و زرین کمر (فردوسی، ۱۳۶۹: ۲۲۲) |
| - یکی زرد پیراهن مشک بوی         | بیوشید و گلنارگون کرد روی (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۳) |

### ۲-۲-۳ سبز

در داستان‌های عاشقانه شاهنامه رنگ سبز در مواردی چون توصیف جامه‌های گوهرنگاری شده و گوهرافشانی در مراسم بزم کاربرد دارد. وجود گوهرهایی مانند زبرجد و زمرد در صحنه‌ها، رنگ سبز را در ذهن مجسم می‌کند.

«رنگ سبز رنگ آبادانی و خرمی است؛ رنگ زایش و رویش است.» (حسن‌لی و احمدیان، ۱۳۸۷: ۸۶) «رنگ سبز دو خصلته است: هم زندگی و هم مرگ است؛ به صورت سبز بهاری یعنی حیات و به صورت سبز زنگاری یعنی مرگ.» (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۷۰) در شاهنامه، بیشتر جنبه آبادانی، خرمی و زندگی بخشی سبز مورد نظر است چرا که این رنگ تنها در صحنه‌های مملو از شادی به چشم می‌خورد.

- بساطی بیفگند پیکر به زر      زبرجد برو بافته سر بسر (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۵۸)

- به یک تختشان شاد بنشانند      عقیق و زبرجد برافشانند (همان: ۲۶۳)
- درم زیر پایش همی ریختند      عقیق و زبرجد برآمیختند (فردوسی، ۱۳۶۹: ۲۱۵)
- عقیق و زمرد همه برگ و بار      فروهشته از شاخ چون گوشوار (فردوسی، ۱۳۷۱: ۳۶۰)

#### ۴-۲-۲ بنفش

رنگ بنفش بسامد بسیار کمی در میان رنگ‌ها دارد. در داستان‌های عاشقانه شاهنامه فقط چهار بار به رنگ بنفش اشاره شده است که سه مورد مربوط به رنگ پارچه‌ها و یک مورد مربوط به رنگ گل بنفشه است. البته در مواردی گیسوی زیبارویان به گل بنفشه تشبیه شده است که این موارد طبق سنت ادبیات فارسی زیرمجموعه رنگ سیاه قرار می‌گیرد چرا که سیاهی گیسوی شخصیت‌ها مورد نظر است، نه رنگ بنفش. مواردی که گل بنفشه در آن‌ها به گیسوی شخصیت‌ها تشبیه نشده، ذیل رنگ بنفش مورد بررسی قرار گرفته است. در شاهنامه فردوسی درفش‌ها معمولاً به رنگ بنفش هستند. شاید دلیل انتخاب رنگ بنفش برای درفش‌ها خاصیت نیروزایی این رنگ بوده است؛ «بنفش سرخی فسرده به دو معنای جسمانی و نفسانی واژه است؛ رنگی بین سرخ و آبی و حاصل پیوند این دو رنگ. بنفش رنگی است که قرمزی آتش زمینی را به آبی آسمان می‌پیوندد. در رنگ بنفش که رنگ آرام و قرار است، تندی و تیزی رنگ سرخ به ملایمت و نرمی می‌گراید. بنفش، مقاومت سازمان آبی بدن را افزایش می‌دهد و شهرت دارد که جامه بنفش نیروزا است.» (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۱۲۸)

- همه جامه‌ها سرخ و زرد و بنفش      شهنشاه با کاویانی درفش (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۲)
- ز بس گونه‌گون پرنیانی درفش      چه سرخ و سپید و چه زرد و بنفش (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۹۸)

#### ۵-۲-۲ آبی

در داستان‌های عاشقانه شاهنامه و در میان رنگ‌ها، رنگ آبی کمترین بسامد را دارد. در این داستان‌ها فقط سه بار به رنگ آبی اشاره شده است. «در ادبیات سنتی فارسی، واژه آبی در معنای رنگ آبی به کار نمی‌رفته است.» (ن. ک. شمیسا، ۱۳۷۷، ۱: ۵۲۸) و برای نشان دادن این رنگ، از واژه‌های لاجوردی، پیروزه‌ای، ازرق و نیلی استفاده می‌کرده‌اند. رنگ آبی در توصیف لباس‌هایی که به سنگ پیروزه آراسته شده‌اند و یا خود، رنگ آبی دارند به کار رفته است. رنگ لاجوردی گاهی در توصیف شب به کار می‌رود که در این صورت باید آن را در مجموعه رنگ‌های تیره و سیاه مورد بررسی قرار داد، در غیر این صورت بهتر است در قسمت رنگ آبی قرار گیرد.

«در رسوم باستانی ایرانیان، سه طبقه اجتماعی موجود، از طریق رنگ لباسشان، متمایز می‌شدند. جنگجویان، قرمز؛ موبدان، سفید و روستاییان، آبی می‌پوشیدند.» (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۴۵) با استناد به این مطلب می‌توان گفت یکی از دلایل کم بودن کاربرد رنگ آبی در

داستان‌های عاشقانه شاهنامه این است که در این داستان‌ها، افراد روستانشین که در دوران باستانی ایران معمولاً لباس آبی‌رنگ می‌پوشیده‌اند در داستان حضور ندارند و شخصیت‌های حاضر در این داستان‌ها اغلب، جزء ارکان اصلی حکومت هستند که لباس‌هایی به رنگ قرمز و سفید می‌پوشیده‌اند.

– همی گفت و از دیده خوناب زرد همی ریخت بر جامه‌ی لاژورد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۴)

### ۳- نتیجه‌گیری

با بررسی عناصر عینی‌نویسی در داستان‌های عاشقانه شاهنامه مشخص می‌شود که فردوسی، به این عناصر توجه ویژه‌ای داشته است و در واقعی‌تر و باورپذیرتر شدن داستان‌ها از عناصر عینی‌نویسی کمک جسته است. گاهی فردوسی در توصیف‌های خود، از زبان رنگ‌ها استفاده می‌کند و این نشان می‌دهد که او از تأثیر روانی رنگ‌های مختلف آگاه بوده‌است؛ در داستان‌های عاشقانه فردوسی، رنگ سرخ نشانگر اوضاع روحی و جسمی شخصیت‌هاست و در صحنه‌های بزم و شادی کاربرد زیادی دارد و این نکته با ویژگی‌های روانی رنگ قرمز مطابقت دارد. رنگ زرد در شاهنامه، هم در مجالس بزم و هم در توصیف بیماری و رنجوری شخصیت‌ها کاربرد دارد و این مسئله، با کارکرد دوگانه رنگ زرد، هماهنگ و متناسب است. رنگ سبز نشانگر آبادانی، خرمی و زندگی است از همین‌رو این رنگ در داستان‌های عاشقانه شاهنامه فقط در لحظات شادی و خوشی شخصیت‌ها کاربرد دارد. در بررسی رنگ‌های به کار رفته در داستان‌های عاشقانه شاهنامه مشخص شد که یکی از دلایل استفاده از رنگ بنفش در لباس‌ها و درفش‌ها، خاصیت نیرو زایی این رنگ است و همچنین یکی عوامل پایین بودن بسامد رنگ آبی، عدم حضور طبقه روستانشین در داستان‌هاست.

فردوسی کوشیده است با تأکید بر نوع و رنگ لباس شخصیت‌ها، میزان اهمیت تجمّلات و تشریفات نزد مردم ایران پیش از اسلام را به تصویر بکشد. لباس شخصیت‌های داستان‌های عاشقانه شاهنامه اغلب از نوع لباس‌های فاخر و تجمّلاتی است و در این داستان‌ها کمتر لباس رزم دیده می‌شود بنابراین می‌توان گفت فردوسی در نمایاندن لباس‌ها به فضای داستان توجه داشته است. همچنین در این جستار مشخص شد که فردوسی در بازتاب فرهنگ ایران باستان نهایت دقت را به خرج داده است و لباس شخصیت‌ها را متناسب با اسناد تاریخی به جا مانده از ایران باستان توصیف کرده است.

### منابع

۱. اپلی، ارنست، ۱۳۷۱، رؤیا و تعبیر رؤیا، ترجمه دل‌آرا قهرمان، تهران، میترا.
۲. حسن‌لی، کاووس و احمدیان، لیلا، باز نمود رنگ‌های سرخ، زرد، سبز و بنفش در شاهنامه فردوسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۰، ۱۳۸۷، صص ۸۷-۵۹.



۳. حسن‌لی، کاووس و احمدیان، لیلا، کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی با تکیه بر سیاه و سفید، مجله ادب پژوهی، شماره ۲، سال ۱۳۸۶، صص ۱۴۳-۱۶۵.
۴. دوبوکور، مونیک، ۱۳۷۳، رمزهای زنده جهان، تهران، مرکز.
۵. زارعی، اسداله، ۱۳۹۲، بازتاب فرهنگ پوشاک و لباس در ادبیات ایران، فصلنامه هنر علم و فرهنگ، شماره ۱، سال ۱۳۸۷، صص ۶۳-۷۲.
۶. شریعت، محمدجواد، ۱۳۷۱، آیین نگارش، تهران، نگاه.
۷. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۷، فرهنگ اشارات، جلد ۲، تهران، فردوس.
۸. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۶۶، شاهنامه به تصحیح جلال خالقی‌مطلق، جلد ۱، نیویورک، پرسیکا.
۹. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۶۹، شاهنامه به تصحیح جلال خالقی‌مطلق، جلد ۲، کالیفرنیا، مزدا.
۱۰. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۱، شاهنامه به تصحیح جلال خالقی‌مطلق، جلد ۳، کالیفرنیا، بنیاد میراث ایران.
۱۱. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۵، شاهنامه به تصحیح جلال خالقی‌مطلق، جلد ۵، کالیفرنیا، مزدا.
۱۲. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، شاهنامه به تصحیح جلال خالقی‌مطلق و محمود امیرسالار، جلد ۶، نیویورک، بنیاد میراث ایران.
۱۳. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۶، شاهنامه به تصحیح جلال خالقی‌مطلق و ابوالفضل خطیبی، جلد ۷، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۴. فریه، رونالد دلبیو، ۱۳۷۴، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزانه روز.
۱۵. کوپر، جی.سی، ۱۳۷۹، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، فرشاد.
۱۶. واردی، زرین تاج و عبدی، لیلا، جلوه‌های فرهنگ ایران باستان و اسلام در ویس و رامین، مجله مطالعات ایرانی، سال نهم، ۱۳۸۹، شماره هفدهم، ۲۳۶-۲۲۷.
۱۷. وظیفه شناس، محمدجواد، بررسی تطبیقی توصیف عینی در صحنه‌ها و شخصیت‌پردازی داستان‌های عاشقانه شاهنامه و ویس و رامین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ۱۳۹۹.
۱۸. یارشاطر، احسان و گروه نویسندگان، ۱۳۸۳، پوشاک در ایران زمین ترجمه پیمان متین، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.

## Investigating the clothing of characters in the love stories of Ferdowsi's Shahnameh

**Kimiya Fani .Master's student of Persian language and literature of Kharazmi University**

**Mohammad Javad Vazifehshenas**

**Rouhollah Najafi**

**Ph.D. student of Persian language and literature,  
Shahid Bahonar University, Kerman**

**Senior expert in Persian language and literature,  
Islamic Azad University, Fasa**

**Reza Ghiyasi**

**Senior expert in animation, Soureh University,  
Tehran**

### 1-1-

#### **Abstract**

Clothing is one of the prominent elements of the culture of any society. By examining the elements of objective writing in each literary work, it is possible to evaluate the level of attention paid by poets and writers to the element of clothing, and valuable information about the characteristics of clothing in each period of history, including the color of clothes for each social class, different types He got wearables and... . This research is trying to analyze the type of clothing and the characteristics of the types of clothing in the love stories of Ferdowsi's Shahnameh with the method of content analysis in order to determine to what extent Ferdowsi refers to the historical documents related to the culture of clothing at the time of the creation of the story. (Ancient Iran) has paid attention. The results show that Ferdowsi has chosen the color of the clothes based on the psychological atmosphere that governs the stories and has used the utmost precision in reflecting the clothing culture of ancient Iran in his work in such a way that each of the characters In the Shahnameh, they wear clothes specific to their social class.

**Keywords** Shahnameh, Ferdowsi, Love story, Clothing, Ancient Iran.